

تحلیل جغرافیایی آراء شهروندان استان فارس در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

حیدر لطفی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

علی عبدالله نژاد

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

مجید ابوالفتحی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

محمود منیمی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل جغرافیای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در استان فارس می‌پردازد. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که جغرافیای انتخابات استان فارس دارای چه ویژگی‌هایی است؟ علاوه بر این سؤال اصلی سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود از جمله اینکه: جغرافیای انتخابات چیست؟ و اینکه استان فارس دارای چه مختصات سیاسی و جغرافیایی است؟ نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر واجد شرایط رأی دادن در استان فارس بودند که از این میزان ۲ میلیون و ۲۲۱ هزار و ۸۳ رأی صحیح در انتخابات ریاست جمهوری به صندوق ریخته شده است. علیرغم اینکه ۱۰ شهرستان استان فارس مشارکت بالای ۹۰ درصد در انتخابات ۱۳۹۲ ریاست جمهوری داشتند میزان مشارکت کلی استان فارس در این دوره از انتخابات ۳۶/۷۳ درصد بوده است. بر اساس شمارش آرا در این استان روحانی با یک میلیون و ۲۹۲ هزار و ۹۴۳ رأی و ۵۸ درصد آرا بیشترین رأی را از آن خود کرد. تحقیق حاضر کیفی بوده و در آن سعی خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی و تصاویر و نقشه‌ها به تحلیل و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شود.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، استان فارس، ریاست جمهوری، ایران.

مقدمه

انتخابات یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات، نشانگر رابطه حکومت و مردم و وضعیت اجتماعی آنان است در واقع، انتخابات ابزار عملیاتی سازی حکومت مردم است. در جوامع امروزی، انتخابات یگانه راه کسب مشروعیت و حقانیت نظام‌های سیاسی است؛ اما همواره چنین نیست که برگزاری انتخابات نشانگر حکومت مردم باشد. آن هنگام انتخابات سیمایی مردمی خواهد یافت که در چارچوب آزادی کامل، گزینه‌های مختلف و برخاسته از مردم و بر اساس قانون مردمی برگزار شود. بر این پایه، انتخاباتی مردمی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- حاکمیت مردم: هنگامی انتخابات مردمی است که بر رضایت و خواست مردم استوار باشد. از این رو، پیش‌زمینه آن وجود قانون انتخاباتی است که ابعاد مختلف آن را مردم مشخص و تصویب کرده باشند. ۲- بازتاب اراده اکثریت: در انتخابات مردمی، خواست و مطالبه اکثریت مردم، معیار و میزان و نتیجه انتخابات انگاشته می‌شود. ۳- حق اقلیت: با پذیرش این حقیقت که خواست و مطالبه اکثریت، میزان انتخابات مردمی است، باید حقوق اقلیت به‌طور کامل رعایت شود و در غیر این صورت، مردمی نخواهد بود. هرچند اقلیت ناچار به پذیرش نظر اکثریت باشد. ۴- آزادی انتخابات: آحاد جامعه باید در چهارچوب قانون برای انتخاب شدن و انتخاب کردن آزاد باشند. به دیگر سخن، هرکس مجاز باشد خود یا فرد موردنظر خود را نامزد کند و هر شخصی آزاد و مجاز است به هر نامزد یا نظری که گرایش دارد، رأی دهد. ۵- برابری همه شهروندان: اگر همه شهروندان در انتخابات، همسان و برابر قلمداد شوند، آنگاه انتخابات می‌تواند آزاد یا مردمی باشد. برابری باید در نامزد شدن و نیز ارزش آرای همه شهروندان اعمال شود. ۶- کثرت‌گرایی: انتخابات مردمی، انتخاباتی است که همه دیدگاه‌های جامعه بتوانند، در قالب قانون مردمی، در آن شرکت کنند. ۷- مشارکت عامه: انتخابات مردمی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که همه افراد بالغ جامعه مجاز به شرکت در آن باشند. از سوی دیگر، باید شمار رأی‌دهندگان زیاد باشد و سهم مشارکت‌کنندگان در پای صندوق‌های رأی نیز بالا باشد.

در این میان، جغرافی دانان سیاسی نیز به مطالعه مکان انتخابات در گستره سرزمینی (محلی، ناحیه‌ای و ملی) می‌پردازند. تا همین اواخر، وجود داده‌های آماری انتخابات و نتایج رأی‌گیری‌ها و انعکاس آن‌ها بر روی نقشه (به‌عنوان ابزار مهم جغرافی دانان)، جغرافی دانان را سخت به خود مشغول نگه‌داشته بود. با توجه به این موضوعات، مطالعه انتخابات، بخش جدایی‌ناپذیر جغرافیای سیاسی دولت است. جغرافیای انتخابات را مطالعه توزیع فضایی پدیده سیاسی رأی‌گیری تعریف کرده‌اند. پدیده‌های سیاسی شامل همه فعالیت‌ها و واکنش‌های انسانی است که ماهیتی سیاسی دارند. تصمیم فرد برای شرکت در انتخابات، واکنش سیاسی است. زمانی که انتخابات برگزار و نتایج مشخص گردید، جغرافی دانان به واکاوی جغرافیایی نتایج انتخابات با بهره‌گیری از داده‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی می‌پردازند. چنین تحلیلی ممکن است متأثر از رویکرد ناحیه‌ای یا سنتی باشد. برای نمونه، ام.کی. سربواستوا آمیزه‌ای از رویکردهای ساختاری و ناحیه‌ای را در مطالعه ساختارهای حمایتی کنگره (هند) به کار برد که در آن، تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و جمعیت شناختی ناحیه‌ای که نتایج انتخابات (نقشه‌های رأی‌گیری) را

متأثر کرده‌اند، لحاظ شده‌اند. همچنین در طول دو دهه گذشته، از رویکرد رفتار فضایی در مطالعات رفتار انتخاباتی افراد یا گروه‌های انتخاب‌گر، به گونه‌ای فزاینده، استفاده شده است.

انتخابات معیار شناخت نگرش‌ها، ادراک، تنگناها و مشکلات جامعه است؛ بنابراین، توزیع نتایج رأی‌گیری بر روی نقشه، نشانگر تفاوت‌های رفتاری مکان‌های مختلف است. ریچارد مویر^۱ بر این باور است که در جغرافیای سیاسی، آن بخش از داده‌های آماری مرتبط با انتخابات معتبر است که در بعد فضایی بر رفتار انتخاباتی افراد تمرکز نماید؛ زیرا عموماً فرض بر این است که گزینش کاندیداها بر اساس منافع رأی‌دهندگان است و این گزینش از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و قومی افراد تأثیر می‌پذیرد. از این‌رو، جغرافی‌دانان، تأثیر عامل محیطی را در انتخاب گزینش‌گر مهم می‌دانند و جغرافیای سیاسی به مطالعه آن بخش از انتخابات می‌پردازد که نشانگر اثرگذاری محیط بر رفتار انتخاباتی باشد.

از طرف دیگر ترسیم نقشه رفتار رأی‌گیری، یکی از دیرپاترین جستارهای جغرافیای انتخابات است. از بعد فضایی، الگوی رأی‌گیری متنوع است؛ به گونه‌ای که میان این پراکنش فضایی و وجود بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی و اجتماعی، همبستگی وجود دارد. در دموکراسی‌های پیشرفته، نظام حزبی بر شکاف‌های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی یا اقتصادی استوار است. برای نمونه، میان طبقه، مذهب و گروه قومی و دل‌بستگی آنان به تمرکز اجتماعی، نوعی رابطه وجود دارد. در مطالعه تأثیر جغرافیا بر رفتار رأی‌گیری، دو شیوه آمریکایی و انگلیسی مورد توجه است. شیوه آمریکایی، عمدتاً مبتنی بر گونه‌ای محل‌گرایی است که در آن شمار جمعیت محدوده‌های انتخاباتی اهمیت فراوانی دارد. در شیوه انگلیسی، شکاف طبقاتی بر اساس تمایز و تنوع طبقه (تحصیلات، کیفیت زندگی و فرهنگ) اهمیت می‌یابد. یکی از دلایل طرح چنین شیوه‌ای در انگلستان، کاهش تأثیر هویت‌های ناحیه‌ای است. بر اساس هر دو شیوه، احزاب مرتبط با آن‌ها، از نظر فضایی، تنوع پایگاه خواهند داشت. برای مثال، احزاب سوسیال دموکرات که بر بنیاد طبقه کارگر برپا گشته‌اند، از نظر تاریخی، عمدتاً از سوی نواحی شهری کارگرنشین پشتیبانی می‌شوند. در مقابل، احزاب محافظه‌کار حامی کارفرمایان، پشتیبانی خود را از حومه‌نشینان طبقه متوسط و محدوده‌های روستایی به دست می‌آورند. همچنین، گرایش سیاهان آمریکایی در رأی دادن به دموکرات‌ها در انطباق میان الگوهای رأی‌گیری و ترکیب نژادی، در شهرهایی چون نیویورک و لس‌آنجلس بازتاب دارد.

هنگامی که پراکنش فضایی طبقه یا گروه قومی در گذار زمان دگرگون شود، جغرافیای برآمده از رأی‌گیری نیز متحول می‌گردد. برای نمونه، مهاجرت طبقه متوسط از شهرهای بریتانیا به حومه‌ها و نواحی روستایی در طول سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی، به افزایش قطبی شدن رأی‌گیری شهری-روستایی منجر گردید که تکرار این وضعیت، به‌ویژه تحولات اقتصادی دهه ۱۹۸۰ میلادی، از انسجام طبقه کارگر شهری کاست. الگوی جغرافیای رأی‌گیری، بازتابی از تمایزات و خواست گروه‌های اجتماعی-اقتصادی است. بر همین پایه، عوامل جغرافیایی می‌توانند بنیادهای اجتماعی مؤثر در رأی‌گیری را متأثر کنند. تجربه نشان داده است که بر بنیاد جستار تأثیر

^۱. Richard Muir

همسایگی عمده افراد همانند هم عمل می‌کنند، به این مفهوم که حتی اگر شرایط اجتماعی-اقتصادی‌شان در پیوند با جای دیگر باشد، به هنگام رأی دادن، مشابه هم به همسایگان‌شان رأی می‌دهند.

رویکرد نظری

جغرافیای انتخابات یا تحلیل سیستماتیک فضایی انتخابات از پیشینه نظری طولانی‌ای برخوردار است. جغرافیای انتخابات و تهیه نقشه آماری آراء رویکردی مهم نسبت به عملکرد دموکراسی‌های امروزی فراهم می‌کند. اما چنین بررسی‌هایی نسبی هستند و می‌توان گفت که جغرافیای انتخابات یکی از قربانیان علم فارغ از ارزش و بی‌طرفی علمی و یا آمپرسیسم است. بسیاری از مطالعات بر نسبی بودن و عدم تعمیم‌پذیری نتایج مطالعات جغرافیای انتخابات تأکید دارند در حالی که در علوم اجتماعی شاهد سر بر آوردن شاخه‌ای نظری تحت عنوان جغرافیای انتخابات هستیم. کنفرانس ۱۹۸۸ میلادی لس آنجلس با موضوع جغرافیای انتخابات و تئوری اجتماعی سرآغازی بر این گونه بررسی‌هاست. آن چه که مسلم است جغرافیای انتخابات ثابت نیست بلکه دچار تغییرات پی‌درپی است و از این نظر به نوعی منعکس‌کننده پارادایم پلورالیسم اخیر در عرصه جغرافیای انسانی است (Johnston, 2015 & et.al., 2015: 10).

پیش نیاز انتخابات و تعیین نمایندگان مردم، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی، پذیرش عمومی و قوانین انتخاباتی است. این محدودهای جغرافیایی در مقام بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح مختلف ملی، ناحیه‌ای و ملی، تأثیر قطعی بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت دارد. از این رو، ناحیه‌بندی سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی، بر پایه شماری از شناسه‌های جمعیتی، فرهنگی، سرزمینی و بهره‌گیری از سامانه اطلاعات جغرافیایی، کانون توجه جغرافیای انتخابات است.

دموکراسی به معنای نظام سیاسی‌ای است که در آن مردم حکومت می‌کنند. درباره هر واژه این گزاره یعنی حکومت، حکومت به وسیله و مردم، پرسش‌های بی‌شماری مطرح است (Giddens, 1997, p 329). تاکنون رشته‌های متعددی به تحلیل و تفسیر پرسش‌ها و پاسخ‌های مرتبط با این مفاهیم در گستره دموکراسی پرداخته‌اند. رواداری گفتار دموکراسی در جغرافیا، به نقش‌آفرینی محیطی و سرزمینی آن بازمی‌گردد. بر این اساس، انتخاب نمایندگان مردم در حوزه‌های انتخاباتی جدا از هم (نواحی سیاسی)، نظام سیاسی را در محیط به وجود می‌آورد که در آن، مجموعه‌ای از حوزه‌های انتخاباتی، نقشه سیاسی کشور را تکمیل می‌کنند. در این فرایند حوزه‌های انتخاباتی، نواحی سیاسی‌ای به شمار می‌روند که در مقام واحدهای جغرافیای سیاسی، نقش‌آفرینی دارند.

دموکراسی و انتخابات از آن روی در پیوند با جستارهای جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرند که به سه عنصر جدایی‌ناپذیر ملت، حکومت و سرزمین مربوط می‌شوند. جدایی‌ناپذیری این مثلث، برآیند رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند؛ به عبارت دیگر، دموکراسی و انتخابات، بهترین ابزار عملی‌سازی اثرگذاری اراده ملت بر شیوه حکومت در اداره سرزمین است. بر این اساس، دموکراسی جغرافیای نوع حکومت است (Mujtahidzade, 2000: 25).

پیت و جانستون در مقاله‌ای که برای دایرةالمعارف جغرافیای انسانی تهیه کرده‌اند، جغرافیای انتخابات را زیر مجموعه جغرافیای سیاسی دانسته‌اند که به واکاوی تعامل فضا، مکان و فرایندهای انتخاباتی می‌پردازد و در عین حال با انتخاب‌شناسی و علوم اجتماعی نیز در ارتباط است (Johnston, & Pattie, 2006, P: 2). عمده مطالعات نخستین در گستره ادبیات جغرافیای انتخابات، متأثر از رویکرد جبرگرایی محیطی بودند. تا دهه ۱۹۸۰، مطالعات جغرافیایی انتخابات به سه زمینه سنتی آن یعنی ماهیت رأی‌گیری، عوامل مؤثر بر رأی‌گیری و الگوی نمایندگی محدود می‌شد؛ اما با انتشار کتاب ارشر و تیلور (۱۹۸۱)، زمینه جدیدی با عنوان پویایی‌شناسی انتخاباتی و تغییرات تاریخی در جغرافیای انتخابات به ادبیات این حوزه اضافه شد.

کانون مطالعاتی جغرافیای انتخابات، حوزه‌های انتخاباتی است. این محدوده‌های جغرافیایی، در مقام بستری به منظور انتخاب نمایندگان در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی، تأثیر قطعی بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت دارد. از این رو، محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی، در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرند (Hume, 1999, P: 939). بر پایه مطالب پیش گفته، جغرافیای انتخابات آن دسته از واحدهای سیاسی را مورد مطالعه و واکاوی قرار می‌دهد که دارای نظام‌های دموکراتیک باشند. به دیگر سخن، جاهایی را مدنظر قرار می‌دهد که: ۱- تصدی و احراز مناصب، سمت‌ها و کرسی‌های حکومتی رقابتی باشند، ۲- انتخابات منصفانه و به دور از اجبار- بی‌آنکه گروهی در جامعه حذف یا محروم گردد- که در دوره‌های زمانی مشخص برگزار شود و ۳- آزادی‌های مدنی و سیاسی برقرار باشد تا صحت و انسجام مشارکت در رقابت سیاسی تضمین گردد.

رقابت حزبی در ایران

احزاب و نهادهای مدنی به‌عنوان رابط میان دولت و ملت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه سیاسی اجتماعی و بستر ساز مشارکت سیاسی بشمار می‌آیند. اگرچه واژه حزب به معنای دسته، گروه و قسمت از گذشته در ادبیات سیاسی وجود داشته است اما شکل‌گیری احزاب سیاسی به معنای نوین آن پیامد تحولات سیاسی در غرب بشمار می‌رود؛ موضوعی که سبب گردید تا برخی از پژوهشگران احزاب سیاسی را فرزند دموکراسی غرب بنامند. استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس در ایران سبب گردید تا به تدریج در فضای سیاسی ایران انجمن‌های سیاسی و از زمان مجلس دوم مشروطه احزاب سیاسی به‌طور مشخص فعالیت خود را آغاز کنند. از آن مقطع تاکنون هر از چند گاهی احزاب سیاسی در ایران فعال گردیده و پس از اندک زمانی بهار فعالیت احزاب به خزان گرائیده است. از این رو یکی از وجوه بارز تفاوت فعالیت احزاب سیاسی در ایران با غرب، نهادینه نگردیدن فعالیت آن‌ها و فصلی بودن فعالیتشان است. به نظر می‌رسد عوامل متعددی در این مهم نقش داشته‌اند که اندیشمندان بسیاری را مشغول به واکاوی آن‌ها و نظریه‌پردازی در این باره کرده است. از مهم‌ترین این علل می‌توان به ماهیت رانتی دولت در ایران، نقش دولت‌ها در تشکیل احزاب و یا مداخله در امور آن‌ها، حاکم بودن رابطه بین احزاب بر اساس بازی با حاصل جمع صفر، نگاه حذفی احزاب به یکدیگر، نگاه ابزاری نخبگان به احزاب و مهم‌تر از همه فاصله‌گیری احزاب از رسالت اصلی خود اشاره نمود.

احزاب به منزله عمده‌ترین ابزار نهادی سامان دهنده اشتراک سیاسی با پیوند گروه‌های اجتماعی با یکدیگر، فراهم آوردن مبانی مشروعیت و جذب گروه‌های نو پدید به درون نظام سیاسی، مبنای استواری سیاسی و دگرگونی بسامان جامعه را فراهم می‌کنند و از انحراف مشارکت سیاسی به راه‌های ناهنجار جلوگیری می‌نمایند (Huntington, 1991: 576).

با وقوع انقلاب مشروطیت و پیروزی این جنبش، اولین فعالیت سیاسی احزاب در تاریخ ایران نمودار شد و گروه‌های سیاسی علنی رسماً وارد صحنه سیاسی کشور شدند و به ایفای نقش در تحولات سیاسی کشور پرداختند. نخستین تجربه فعالیت‌های حزبی در ایران از انقلاب مشروطیت تا روی کار آمدن رضاخان ادامه یافت. با روی کار آمدن رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی، به دلیل تمایلات حکومت به استبداد و بعدها دیکتاتوری، فعالیت‌های حزبی با سرکوبی روبرو شد و یک دوره رکود فعالیت‌های حزبی را شاهد هستیم. از بین مهم‌ترین نمونه‌های سرکوبی احزاب در این دوره می‌توان به دستگیری و زندانی کردن اعضای حزب توده در سال ۱۳۱۶ اشاره کرد؛ اما پس از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ و جانشینی محمدرضا شاه کشور به سمت یک فضای باز سیاسی به پیش رفت. در حقیقت، فاصله بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ دوره آزادی احزاب و فعالیت‌های سیاسی است که با سقوط رضاخان و به عبارتی دیگر نیروی استبداد و دیکتاتوری در تاریخ ایران اتفاق افتاد و باعث شد که زمینه مساعدی برای رشد احزاب و گروه‌های سیاسی فراهم شود. اوج فعالیت احزاب در دوران محمدرضا شاه را باید سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در زمان نخست‌وزیری مصدق جستجو کرد که اقتدار شاه در این دو سال به شدت ضعیف شده بود و جریان‌های لیبرالی، مذهبی، چپ در این دوران نقش پررنگی را ایفا نمودند. اما با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجدداً سیاست حذف جریان‌ها و احزاب وابسته به آن‌ها در دستور کار حکومت قرار گرفت و این وضعیت تا سال ۱۳۳۹ که دوران تثبیت اقتدار محمدرضا شاه بود، دنبال شد؛ اما به دنبال روی کار آمدن جان. اف. کندی که دموکرات بود و نخست‌وزیری علی امینی در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مجدداً یک فضای سیاسی باز موقت ایجاد می‌شود و شاهد تحرک جریان‌ها و احزاب سیاسی در این دوران هستیم؛ اما این تحرک با سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ پایان می‌پذیرد و دیکتاتوری محمدرضا شاه تقویت می‌گردد. به دنبال این سرکوبی گروه‌ها و جریان‌ها سیاسی فعالیتشان را زیرزمینی می‌کنند و زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های مسلح و سازمان‌های چریکی فراهم می‌شود. البته در این دوران شاهد شکل‌گیری احزاب نمایشی و صوری وابسته به سلطنت نیز هستیم. سرانجام وقایع سال ۱۳۵۶ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ موجب فروپاشی نظام شاهنشاهی و شکل‌گیری فصل جدیدی از فعالیت احزاب در ایران می‌شود.

موقعیت جغرافیایی استان فارس^۱

استان فارس یکی از استان‌های ایران است که در بخش جنوب این کشور واقع شده است (دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۱۳۹۰)، استان فارس) آب و هوای استان فارس در نقاط مختلف این استان به سه دسته کوهستانی، معتدل و گرم تقسیم می‌شود (Social Security General Office of Fars province (2012), natural geography and climate of Fars province).

^۱. Fars Province



نقشه شماره ۱: جغرافیای سیاسی استان فارس (www.anobanini.ir)

این استان با مساحتی در حدود ۱۲۲۶۰۸ کیلومتر مربع، چهارمین استان بزرگ و با جمعیتی معادل ۴،۵۲۸،۵۱۳ نفر، بر طبق برآورد جمعیتی سال ۱۳۸۹ خورشیدی سازمان ملی آمار ایران، چهارمین استان پرجمعیت ایران به شمار می رود. بر اساس تقسیمات کشوری اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ خورشیدی، استان فارس به ۲۹ شهرستان، ۱۰۰ شهر، ۸۳ بخش و ۲۰۴ دهستان تقسیم شده است (Website Ministry of the Interior (2016), the list of counties, (towns, cities and municipalities Iran).

جدول شماره ۱: برآورد و پیش‌بینی جمعیت استان فارس به تفکیک نقاط شهری و روستایی و غیر ساکن از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (ارقام به هزار نفر)

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
کل	۴۳۳۷	۴۳۸۱	۴۴۲۹	۴۴۸۱	۴۵۳۷	۴۵۹۷	۴۶۴۲	۴۶۸۸	۴۷۳۵	۴۷۸۲	۴۸۲۸
شهری	۲۶۵۳	۲۷۳۸	۲۸۲۶	۲۹۱۷	۳۰۱۰	۳۱۰۷	۳۲۴۶	۳۲۸۸	۳۳۳۲	۳۳۷۵	۳۴۱۸
روستایی و غیر ساکن	۱۶۸۴	۱۶۴۳	۱۶۰۳	۱۵۶۵	۱۵۲۷	۱۴۹۰	۱۳۹۶	۱۴۰۰	۱۴۰۳	۱۴۰۷	۱۴۱۲

Source: (http://www.amar.org.ir)

مرکز استان فارس، شهر شیراز است که بر طبق برآورد جمعیتی سال ۱۳۸۹ سازمان آمار ایران به همراه حومه خود، جمعیتی معادل ۱۷۴۹۹۲۶ نفر داشته که پرجمعیت‌ترین شهر این استان و ششمین شهر پرجمعیت کشور محسوب می شود. از دیگر شهرهای پرجمعیت این استان می توان به شهرهای مرودشت، جهرم، کازرون و فسا اشاره کرد (Official website of the Iranian Statistics Agency (2016), population estimates Fars province in 2011).

جدول شماره ۲: شاخص‌های کلیدی استان

۱/۱۷	نرخ رشد جمعیت	نفر	۴۵۹۶۶۵۸	جمعیت
۳۶/۶	نرخ رشد اقتصادی	درصد	۱۲/۴	نرخ بیکاری
۱۷/۴	ضریب نفوذ اینترنت	درصد	۸۶/۳۲	نرخ باسوادی

Source (<http://www.amar.org.ir>)

در این استان، امروزه به جز اکثریت فارسی‌زبان اقوام مختلفی نیز در این استان زندگی می‌کنند. از جمله لرها، قشقایی‌ها، عرب خمسه و لک که هر یک به گویش‌ها و زبان‌های مختلفی مانند فارسی، لری، لارستانی، قشقایی، سیوندی، دوانی، اردکانی، عربی و کهمره‌ای (بککی) سخن می‌گویند (Fars Cultural port (2012), the name and geographical characteristics of Fars Province). منابع مهم اقتصادی استان فارس بر پایه کشاورزی و دامداری، شهرک‌های مختلف صنعتی، پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی و نیروگاه‌های مختلف بنا شده است.

با تکوین و رشد شهرنشینی، فرهنگ مردم دچار دگرگونی و تغییرات ساختاری شده است. ویژگی‌های قومی و فرهنگی مختلفی در میان اقوام و عشایر وجود دارد. عشایر ایران هنوز ویژگی‌های سنتی را حفظ کرده‌اند. استان فارس یکی از استان‌هایی است که بالاترین جمعیت عشایری کشور را دارد. فرهنگ مردم فارس در کل به بخش‌های متعددی مانند جشن، موسیقی، پوشاک و خوراک تقسیم می‌شود. در بخش موسیقی می‌توان به عاشیق‌های قشقایی، چنگیان و ساربانان اشاره کرد. موسیقی بومی ایل قشقایی با نام عاشیق‌ها، چنگیان و ساربانان درآمیخته و در این میان موسیقی عاشیقی از جایگاه والایی برخوردار است، موسیقی عاشیقی کهن و گسترده است و با شعر فولکلوریک درآمیخته است عاشیق‌ها برای رویدادهای غمناک و شاد نوایی دارند. در هنر عاشیقی، حماسه و در شعر آن نیز عرفان مقامی شایسته دارد. پیشینه مکتوب شعر و ادبیات در میان ایل قشقایی به بیش از ۲۵۰ سال پیش می‌رسد. اشعار شاعران گمنام سینه به سینه نقل می‌شود و به گنجینه فولکلوریک قشقایی‌ها غنا می‌بخشد. شعر قشقایی را همه جا می‌خوانند در عروسی، در عزا و در زمان شادی و غم. شعر عروسی‌ها همراه پایکوبی و شعر عزا همراه با حزن و اندوه خوانده می‌شود. رقص‌های محلی و بومی قشقایی‌ها نیز که با آهنگ جنگ‌نامه توأم است عمدتاً به صورت گروهی اجرا می‌شود و در این میان رقص چوب به لحاظ شیوه اجرا و حرکات ریتمیک اجراکنندگان آن، از جذابیت خاصی برخوردار است. پوشاک مردمان فارس به دلیل گوناگونی فرهنگی، بسیار متنوع است و از میان آن‌ها می‌توان به قبا (آرخالق)، شال و چقه که پوشاک مردان عشایر کوهمره سرخی است، اشاره کرد (Website News Introduction to Fars Province, (2012)).

جمعین کوچ نشینان استان فارس در آخرین سرشماری، حدود ۱۳۱۰۷۱۷ نفر و ۲۴۸۰۲ خانوار برآورد شد که این رقم از ۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۰/۸ درصد در سال‌های اخیر کاهش داشته است. همچنین نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت استان فارس از ۴۲/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۱/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که بیانگر افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها است و این امر نشان دهنده نبودن تعادل در پراکندگی نقاط شهری استان فارس است.

جدول شماره ۳: اطلاعات پایه‌ای استان

سرشماری عمومی سال ۹۰	تقسیمات کشوری سال ۹۳
جمعیت: ۴۵۹۶۶۵۸ نفر	مساحت: ۱۲۲۶۰۴۵۱ کیلومتر مربع
متوسط رشد سالانه: ۱.۱۷ درصد	تعداد شهرستان: ۲۹

سهم از جمعیت کشور: ۶.۱۲ درصد	تعداد بخش: ۸۴
میزان شهرنشینی: ۶۷.۶ درصد	تعداد دهستان: ۲۰۵
درصد باسوادی: ۸۶.۳ درصد	تعداد شهر: ۱۰۲
بعد خانوار: ۳.۷	تعداد آبادی: ۸۳۶۹

Source: (<http://www.amar.org.ir>)

در استان فارس اقوام مختلفی از جمله فارس، لر، ترک قشقایی، تاجیک، عرب خمسه و لک زندگی می‌کنند Fars. (geographical region, Iran) (Website Encyclopaedia Britannica (2012) یکی از مناطق مهم عشایری و کوچ‌نشینی ایران، استان فارس است که با جمعیت ۱۳۷۷۱۷ نفر، حدود ۳۲ درصد جمعیت کوچ‌نشین کشور و ۳ درصد جمعیت استان را شامل می‌شود.

یکی از بزرگ‌ترین ایلات ایران (ایل قشقایی) با شش طایفه در فارس به کوچ روی ادامه می‌دهند. علاوه بر ایل قشقایی، ایل باصری، بهارلو، محسنی و همچنین طوایف کوچک‌تری به زندگی عشایری خود در فارس ادامه می‌دهند (hamshahrionline Website(2012), Introduction to Fars Province).

ایل باصری ایلی کوچنده، فارسی زبان و پارس نژاد از ایلات خمسه فارس است و به خاطر قالی‌ها و گلیم‌های خود شهرت دارد (Tavakoli, 2000: 22). در میان عشایر کوچنده فارس ایل باصری طولانی‌ترین ایل‌راه‌ها را (۳۳۸ کیلومتر) میان گرمسیر و سردسیر می‌پیماید. سنتاً قشلاق این طایفه در بلوک سروستان، کربال و کوار و بیلاقشان در بلوک ارسنجان و کمین بوده است (لغت‌نامه دهخدا، سرواژه باصری).

در حال حاضر کوچ‌نشینی در استان فارس به روش‌های مختلفی جاری است برخی شیوه سنتی کوچ قبیله‌ای را دنبال می‌کنند و دائماً در حال جابجایی و بیلاق و قشلاق می‌باشند که از این میان می‌توان ایل قشقایی را مثال زد، گروهی دیگر نیمه کوچ رو هستند و خانه‌ای در روستا و مرتعی در کوهستان دارند و در بهار به ارتفاعات می‌روند و برای برداشت محصول به روستا باز می‌گردند، گروهی دیگر اسکان یافته هستند و زندگی کوچ روی را ترک کرده و در یک جا ساکن شده‌اند که از میان این گروه می‌توان ایلات باصری، ممسنی و کوهمره را مثال زد، گروه آخر گروهی هستند که بر اساس وجود مرتع و علوفه، دام‌های خود را به چرا می‌برند و از طریق شبانی یا چوپانی زندگی می‌کنند.

در نظرسنجی که شرکت پژوهشگران خبره پارس به سفارش شورای فرهنگ عمومی در سال ۸۹ انجام داد و بر اساس یک بررسی میدانی و یک جامعه آماری از میان ساکنان ۲۸۸ شهر و حدود ۱۴۰۰ روستای سراسر کشور، درصد اقوامی که در این نظر سنجی نمونه‌گیری شد در استان فارس به قرار زیر بود: ۸۰٪ فارس (۷۹،۳٪ مرد، ۷۹،۴٪ زن)، ۱۰٪ ترک (۱۲،۴٪ مرد، ۸،۲٪ زن)، ۷،۷٪ لر (۶،۵٪ مرد، ۹،۷٪ زن)، ۰،۱ کرد (۰،۲٪ مرد)، ۰،۱ عرب (۰،۲٪ مرد)، ۰،۲ بلوچ (۰،۴٪ زن)، ۰،۸٪ سایر و ۱٪ بدون جواب بودند (Vaezi, 2013: 294).

زبان رسمی مردم استان فارس، مانند زبان رسمی ایران، فارسی است. پیش از اسلام زبان ایرانیان زبان فارسی میانه بوده است که امروزه پس از تغییراتی به صورت زبان فارسی امروزی در آمده و در بین بیشتر مردم استان و ایل باصری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Josephy, 2014: 45). از قرن دوم و سوم زبان دری که ریشه‌ای کهن داشته جای زبان پهلوی را گرفت و توجه حکومت و نویسندگان و شعرا به آن موجب شد که به صورت زبان رسمی درآید.

همچنین زبان ترکی در میان عشایر قشقایی و زبان عربی در میان عشایر عرب صحبت می‌شود. برخی بر این اعتقادند که کل زبان‌ها و لهجه‌ها در این استان به شدت تحت تأثیر حکومت کریم خان زند بوده و به عبارتی می‌توان گفت گویش‌ها و لهجه‌ها تحت تأثیر زبان لری در این استان بوده، به گونه‌ای که بسیاری از کلمات لری در این استان و حتی لهجه شیرازی رواج دارد.

استان فارس به لحاظ غنای فرهنگی و تحولات جغرافیایی و تاریخی از نظر تعدد و تنوع زبان‌ها و گویش‌ها در ایران بی‌نظیر است. زبان‌ها و گویش‌های شناسایی شده عبارت‌اند از: زبان لری، زبان لاری، زبان اچمی، زبان ترکی قشقایی و همچنین زبان‌ها و گویش‌هایی مانند اسیری، گویش مرودشتی، خنجی، قشقایی، باصری، سیوندی، دوانی و اردکانی و کهمره‌ای (بککی) نیز در این استان رواج دارد؛ که گویش اردکانی در ایران منحصربه‌فرد بوده و این گویش باز مانده از پارسی پهلوی است. گویش مردم سیوند فارس به دلیل آمیخته نشدن با عربی و تعلق به زبان‌های ایرانی شاخه شمال باختری درخور اهمیت است. زبان لارستانی که با زبان‌های فارسی، لری و تاتی هم‌خانواده است. عشایر قشقایی به زبان ترکی قشقایی سخن می‌گویند. زبان ترکی قشقایی و آذربایجانی از یک خانواده‌اند. زبان لری نیز در شهرستان‌های ممسنی، رستم و بخش‌هایی از سپیدان و بخش‌هایی از کازرون و فراه‌بند و مرودشت (درودزن - کامفیروز) و شهر شیراز رواج دارد. لهجه باصری نیز منحصر به افراد ایل باصری است که شباهت‌ها و اشتراکات زیادی یا لهجه شیرازی دارد (Josephy, 2014: 84).

جدول شماره ۱: شاخص‌های نیروی انسانی استان فارس

عنوان شاخص	واحد	مقدار	میزان تغییر نسبت به فصل قبل	میزان تغییر نسبت به فصل مشابه سال قبل
نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)	درصد	۳۶/۳	-۰/۶	-۲/۶
نرخ مشارکت اقتصادی مردان	درصد	۶۲/۰	-۰/۴	-۳/۴
نرخ مشارکت اقتصادی زنان	درصد	۹/۹	-۱/۲	-۲/۲
نرخ مشارکت اقتصادی مناطق شهری	درصد	۳۵/۱	-۲/۱	-۳/۶
نرخ مشارکت اقتصادی مناطق روستایی	درصد	۳۹/۱	-۳/۰	-۰/۱
نرخ بیکاری	درصد	۱۱/۵	-۲/۶	-۲/۵
نرخ بیکاری زنان	درصد	۳۰/۲	-۳/۳	-۰/۷
نرخ بیکاری مردان	درصد	۱۳/۱	-۲/۱	-۲/۳
نرخ بیکاری مناطق شهری	درصد	۸/۶	-۳/۰	-۲/۸
نرخ بیکاری مناطق روستایی	درصد	۲۷/۶	-۱/۱	-۱/۷
نرخ بیکاری جوانان (۱۵- تا ۲۴)	درصد	۱۱/۳	-۳/۱	-۴/۶
سهم اشتغال ناقص	درصد	۲۱/۵	-۱/۲	۳/۱
سهم شاغلان در بخش کشاورزی	درصد	۳۰/۵	۱/۶	۱/۹
سهم شاغلان در صنعت	درصد	۴۸/۰	-۰/۸	-۰/۵
سهم شاغلان در خدمات	درصد	۱۵/۲	-۰/۷	-۱/۴
سهم شاغلان در بخش عمومی از کل	درصد	۸۴/۸	-۰/۶	-۳/۶
شاغلان	درصد		۰/۶	۳/۴
سهم شاغلان در بخش خصوصی از کل				
شاغلان				

Source: (Statistical Center of Iran)

- یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

با حذف پست نخست‌وزیری در اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، جایگاه و اختیارات و وظایف ریاست جمهوری در ایران دچار تحول اساسی شد. در ایران تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی و نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. تاکنون یازده دوره از این انتخابات برگزار شده است؛ انتخابات دوره اول در ۵ بهمن ۱۳۵۸ و انتخابات دوره یازدهم در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ انجام شد. در تمام دوره‌هایی که به‌طور عادی پایان یافته یک فرد برای دو دور توانسته رأی مردم را جلب کند. در دوره اول ریاست جمهوری، مجلس رأی اعتماد خود را از رئیس جمهور منتخب پس گرفت و این دوره پیش از موعد پایان یافت. رئیس جمهور رجایی در اثر بمب‌گذاری کشته شد و این دوره نیز پیش از مورد مقرر پایان پذیرفت.

جدول شماره ۲- جدول اطلاعات یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

-	تاریخ برگزاری	جمعیت واجد شرایط	شمار شرکت‌کنندگان	درصد مشارکت	شمار کاندیداهای رسمی	رئیس‌جمهور انتخابی	تعداد رأی منتخب	درصد رأی منتخب
اول	۵ بهمن ۵۸	۲۰۰۸۵۷۰۳۹۱	۱۴۰۱۵۰۰۹۰۲	۶۷۰۴۲	۱۲۴	ابوالحسن بنی‌صدر	۱۰۰۷۵۳۰۷۵۲	۹۹٫۷۷
دوم	۲ مرداد ۶۰	۲۲۰۶۸۷۰۰۱۷	۱۴۰۵۷۳۰۸۰۳	۶۴۰۲۴	۴	محمدعلی رجایی	۱۲۰۷۷۰۰۵۰	۶۲٫۸۷
سوم	۱۰ مهر ۶۰	۲۲۰۶۸۷۰۰۱۷	۱۶۰۸۴۷۰۷۱۷	۷۴۰۲۶	۴	سید علی خامنه‌ای	۱۵۰۹۰۵۰۹۸۷	۴۱٫۹۴
چهارم	۲۵ مرداد ۶۴	۲۵۰۹۹۳۰۸۰۲	۱۴۰۲۳۸۰۵۸۷	۵۴۰۷۸	۳	سید علی خامنه‌ای	۱۲۰۲۰۵۰۰۱۲	۷۱٫۸۵
پنجم	۶ مرداد ۶۸	۳۰۰۱۳۹۰۵۹۸	۱۶۰۴۵۲۰۶۷۷	۵۴۰۵۹	۲	اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۵۰۵۵۰۰۵۳۸	۵۱٫۹۴
ششم	۲۱ خرداد ۷۲	۳۳۰۱۵۶۰۰۵۵	۱۶۰۷۹۶۰۷۸۷	۵۰۰۶۶	۴	اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۰۰۵۶۶۰۴۹۹	۹۰٫۶۲
هفتم	۲ خرداد ۷۶	۳۶۰۴۶۶۰۴۸۷	۲۹۰۱۴۵۰۷۵۴	۷۹۰۹۳	۴	سید محمد خاتمی	۲۰۰۱۳۸۰۷۸۴	۰۹٫۶۹
هشتم	۱۸ خرداد ۸۰	۴۲۰۱۷۰۰۲۳۰	۲۸۰۰۸۱۰۹۳۰	۶۶۰۶۷	۱۰	سید محمد خاتمی	۲۱۰۶۵۹۰۰۵۳	۱۲٫۷۷
نهم (دومرحله‌ای)	۲۷ خرداد و ۳ تیر ۸۴	۴۶۰۷۸۶۰۴۱۸	۲۷۰۹۵۸۰۹۳۱	۵۹۰۷۶	۷-۲	محمود احمدی‌نژاد	۱۷۰۶۰۰۰۰۰۰	۹۴٫۶۲
دهم	۲۲ خرداد ۸۸	۴۶۰۱۹۹۰۹۹۷	۱۹۱۰۱۶۵۰۳۹	۸۵	۴	محمود احمدی‌نژاد	۰۲۴ ۰۵۱۶	۶۲٫۶۲
یازدهم	۲۴ خرداد ۱۳۹۲	۵۰۰۴۸۳۰۱۹۲	۳۶۰۷۰۴۰۱۵۶	۷۲۰۷	۶	حسن روحانی	۱۸۰۶۱۳۰۳۲۹	۵۰٫۷۱

Source: author

- میزان مشارکت

تاکنون یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است که میزان مشارکت مردمی در انتخابات ریاست جمهوری به ترتیب دوره اول ۶۷٫۴ دوره دوم ۶۴٫۲ دوره سوم ۷۴٫۳ دوره چهارم ۵۴٫۸ دوره پنجم ۵۴٫۶ دوره ششم ۵۰٫۷ دوره هفتم ۷۹٫۹ دوره هشتم ۶۶٫۸ دوره نهم ۵۹٫۸ دوره دهم ۸۴٫۶ و در دوره یازدهم ۷۶٫۲ بوده است.

- یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۹۲)

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار گردید که طی آن حسن روحانی به‌عنوان هفتمین رئیس‌جمهور ایران برگزیده شد. هم‌زمان چهارمین انتخابات شورای شهر و روستا و نیز انتخابات

میان‌دوره‌ای مجلس نهم در چهار حوزه و انتخابات میان‌دوره‌ای دوره چهارم خبرگان در دو استان آذربایجان غربی و کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد.

۱- نامزدهای انتخابات

رسیدگی به صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان به مدت ۵ روز از ۲۲ تا ۲۶ اردیبهشت و پس از تمدید ۵ روزه تا ۳۱ اردیبهشت انجام شد و اسامی احراز صلاحیت شده به وزارت کشور فرستاده شد که برای انتشار رسمی دو روز مهلت داشت و در ساعات پایانی ۳۱ اردیبهشت توسط وزارت کشور اعلام شد. تبلیغات رسمی نامزدها از ساعت هشت صبح سوم خرداد آغاز و به مدت ۲۰ روز (تا ۲۲ خرداد) ادامه خواهد داشت و رأی‌گیری روز جمعه ۲۴ خرداد ماه ۱۳۹۲ برگزار می‌شود.

در مجموع ۶۸۶ نفر ثبت‌نام کردند که حدود ۳۸ نفر، چهره شاخص سیاسی بودند و کم سن و سال‌ترین ثبت نام کننده کودکی ۹ ساله بود که از این تعداد چهره شاخص ۹ نفر تا پیش از اتمام بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان انصراف دادند و در پایان تنها اسامی ۸ نفر تأیید صلاحیت شده به‌عنوان نامزد نهایی (۳۱ اردیبهشت) از سوی وزارت کشور رسماً اعلام گردید. وزارت کشور در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ نتیجه احراز صلاحیت کاندیدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان را به شرح زیر اعلام کرد که از ۸ نفر دو نفر بعداً کنار کشیدند.

جدول شماره ۳: نامزدهای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ایران

گرایش	حامیان	نامزد	حزب	سمت‌های کلیدی	تحصیلات
	جبهه پایداری	سعید جلیلی	مستقل	دبیر شورای عالی امنیت ملی رئیس تیم هسته‌ای و مذاکره‌کننده ارشد ایران	دکترای علوم سیاسی
اصول‌گرا		محمدباقر قالیباف	مستقل	فرماندهی نیروی هوایی سپاه (۱۳۷۶-۱۳۷۹)، فرمانده ناجا (۱۳۷۹-۱۳۸۴)، شهردار تهران (از ۱۳۸۴)	دکترای جغرافیای سیاسی
	جبهه پیروان خط امام و رهبری جامعه اسلامی مهندسین حزب مؤتلفه، جبهه اصول‌گرایان اصلاح‌طلب، حامیان ولایت	علی‌اکبر ولایتی	مستقل	وزیر امور خارجه ایران در دولت موسوی و هاشمی، مشاور امور بین‌الملل رهبری	فوق تخصص بیماری‌های عفونی
مستقل	جبهه استادگی	محسن رضایی	مستقل	فرمانده سپاه پاسداران در ۸ سال دفاع مقدس، دبیر مجمع تشخیص	دکترای اقتصاد
اعتدال‌گرا	حزب اعتدال و توسعه اصلاح‌طلبان ایران	حسن روحانی	حزب اعتدال و توسعه جامعه روحانیت مبارز	دبیر شورای عالی امنیت ملی در دولت هاشمی و خاتمی، نماینده مجلس خبرگان، عضو و دبیر پیشین مجمع تشخیص، ۵ دوره نماینده مجلس شورای اسلامی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس تیم هسته‌ای و مذاکره‌کننده ارشد ایران در دولت‌خاتمی، رئیس مجمع استراتژیک مجمع تشخیص، نماینده رهبر در شورای عالی امنیت ملی، فرمانده پدافند هوایی کل کشور، عضو و رئیس شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما	مجتهد، دکتری حقوق اساسی
مستقل		سید محمد غرضی		نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی، وزیر نفت دولت میرحسین موسوی و وزیر پست و تلگراف و تلفن دولت موسوی و هاشمی	کارشناس ارشد الکترونیک

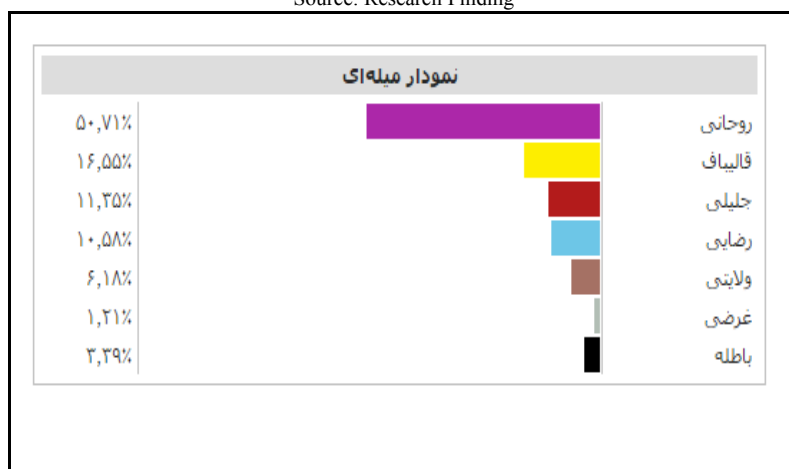
۲- نتیجه انتخابات

بنا بر اعلام نتایج رسمی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، این دوره با مشارکت داخلی ۷۲/۷ درصد برگزار شد و حسن روحانی با ۵۰/۷۱ درصد کل آرا به‌عنوان رئیس جمهور منتخب برگزیده شد. این انتخاب با واکنش مثبت سران سایر کشورها مواجه شد و با توجه به دیدگاه‌های پیشین وی، امیدهای بین‌المللی نسبت به حل بحران‌های مرتبط با ایران را بیشتر ساخت.

جدول شماره ۴- نتیجه انتخابات

نامزد	گرایش	حامیان	رای	%
۱ حسن روحانی	اعتدال‌گرا	اصلاح طلبان حزب اعتدال و توسعه	۱۸۰۶۱۳۰۳۲۹	۵۰٫۷۱٪
۲ محمدباقر قالیباف	اصولگرا	جمعیت پیشرفت و عدالت	۶۰۰۷۷۰۲۹۲	۱۶٫۵۵٪
۳ سعید جلیلی	اصولگرا	جبهه پایداری	۴۰۱۶۸۰۹۴۶	۱۱٫۳۵٪
۴ محسن رضایی	مستقل	جبهه ایستادگی	۳۰۸۱۴۰۴۱۲	۱۰٫۵۸٪
۵ علی اکبر ولایتی	اصولگرا	جمعی از جامعه مدرسین جبهه پیروان	۲۰۲۶۸۰۷۵۳	۶٫۱۸٪
۶ سید محمد غرضی	مستقل	-	۲۴۶۰۰۱۵	۱٫۲۱٪
رای‌های باطله			۱۰۲۴۵۰۴۰۹	۳٫۳۹٪
مجموع کل رأی‌ها			۳۶۰۷۰۴۰۱۵۶	۱۰۰٪
رای‌های گرفته/درصد مشارکت داخلی			۳۶۰۹۳۸۰۶۵۱	۷۲٫۷٪
رای‌های درست			۳۵۰۴۵۸۰۷۴۷	۷۰٫۲۳٪
رای‌های باطله			۱۰۲۴۵۰۴۰۹	۲٫۴۶٪
رای‌ندادگان			۱۳۰۷۷۹۰۰۳۶	۲۷٫۲۹٪
واجدان شرایط رأی‌دهی داخلی			۵۰۰۴۸۳۰۱۹۲	۱۰۰٪

Source: Research Finding



نمودار شماره ۱: نتیجه انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

Source: (www.bushehnews.com)

جغرافیای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در استان فارس

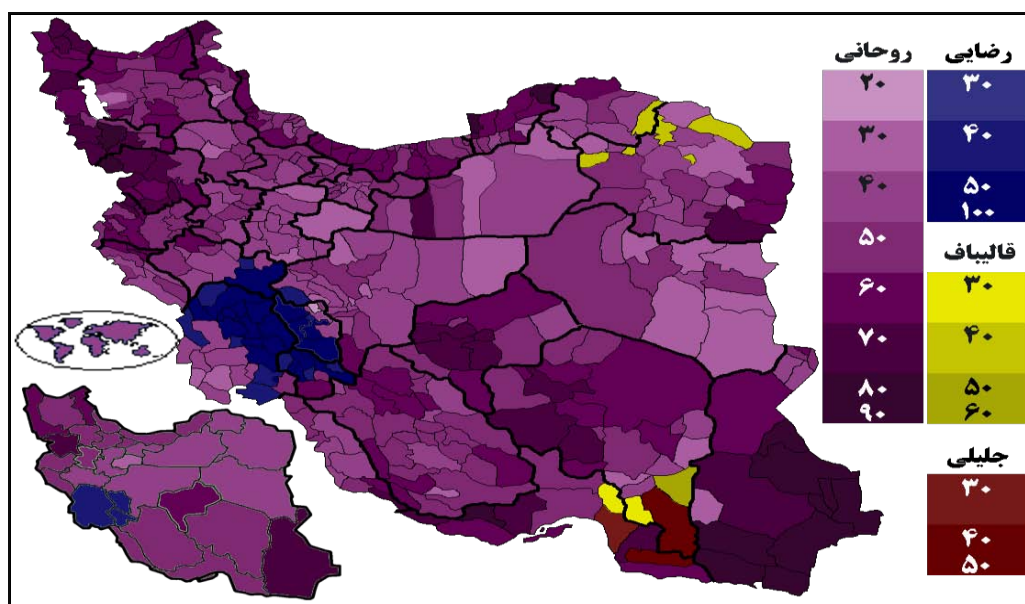
در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر واجد شرایط رأی دادن در استان فارس بودند که از این میزان ۲ میلیون و ۲۲۱ هزار و ۸۳ رأی صحیح در انتخابات ریاست جمهوری به صندوق ریخته شده است. بر اساس شمارش آرا در این استان روحانی با یک میلیون و ۲۹۲ هزار و ۹۴۳ رأی و ۵۸ درصد آرا بیشترین رأی را از آن خود کرد. همچنین جلیلی با ۳۰۹ هزار و ۹۲۹ رأی ۱۴ درصد آرا، قالیباف با ۲۴۷ هزار و ۶۴۲ رأی ۱۱ درصد آرا را در این استان به دست آورد. همچنین رضایی ۲۱۱ هزار و ۸۰۱ رأی ۱۰ درصد آرا، ولایتی ۱۳۵ هزار و ۴۲۵ رأی شش درصد آرا و غرضی با ۲۳ هزار و ۳۴۳ رأی یک درصد از آرا را در استان فارس کسب کرد. جمع کل آرا در این استان دو میلیون و ۲۲۱ هزار و ۸۳ رأی بوده است:

جدول شماره ۵- انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در استان فارس

شهرستان	حسن روحانی	%	محمدباقر قالیباف	%	محسن رضایی	%	سعید جلیلی	%	علی‌اکبر بربر	%	سید محمد غرضی	%	رأی‌های درست
آباده	۶۱۰۲۸	۱۳.۵۴%	۹۴۲۷	۲۰.۳۱%	۸۴۹۳	۱۹.۰۷%	۲۹۸۸	۶۷.۱۵%	۲۲۶۳	۱۰.۶%	۹۳۱	۷۶.۱%	۸۵۶۵۲
ارستانجان	۱۱۰۸۶۸	۶۴.۴۷%	۸۷۰۲	۵۲.۱۱%	۰۰۰۲	۰.۰۰%	۲۹۴۶	۳۰.۳۸%	۵۲۰۱	۱۰.۶%	۳۶۱	۴۵.۱%	۹۱۳۲۴
استهبان	۷۸۶۱۹	۸۶.۵۳%	۰۴۳۵	۷۳.۱۳%	۴۰۹۲	۵۶.۶%	۳۵۲۶	۲۹.۱۷%	۲۰۶۷۵	۲۸.۷%	۴۷۰	۲۸.۱%	۷۳۵۳۶
اقلید	۲۹۶۳۶	۴۸.۶۰%	۱۸۷۶	۳۱.۱۰%	۴۶۷۶	۷۸.۱۰%	۳۵۰۷	۲۵.۱۲%	۰۳۴۳	۰.۶۵%	۶۷۵	۱۲.۱%	۰۰۹۶۰
بوانات	۵۹۲۱۳	۵۴.۴۷%	۴۶۸۳	۱۳.۱۲%	۲۰۵۵۰	۸۰.۹۲%	۲۴۴۶	۸۴.۲۱%	۲۰۳۰۹	۰.۸۸%	۴۲۵	۴۹.۱%	۲۸۰۵۸۸
پاسارگاد	۲۹۸۱۳	۶۶.۳۵%	۴۲۰۲	۰.۸۱۲%	۱۰۰۵۹	۲۸.۵%	۴۱۵۲	۱۲۰.۵%	۶۳۳	۳.۱۶%	۲۱۶	۰.۸۱%	۰۴۱۲۰
چهرم	۴۳۹۴۹	۷۵.۴۵%	۰۶۷۱۶	۱۴.۸۷%	۹۰۸۶۱	۱۳.۹%	۳۶۶۲۲	۷۰.۲۰%	۸۰۸۲۲	۱۶.۸%	۱۰۴۹۸	۳۹.۱%	۵۳۳۱۰۸
خرامه	۵۹۳۱۸	۵۲.۵۶%	۱۱۶۴	۵۱.۱۲%	۲۰۱۸۳	۶۴.۶%	۹۷۴۵	۱۶.۱۸%	۱۰۶۸۳	۱۲.۵%	۳۵۰	۰.۶۱%	۸۹۹۳۲
خرم بید	۰۸۹۱۴	۲۳.۵۰%	۸۶۹۴	۳۶.۱۷%	۸۹۵۱	۷۶.۶%	۰۳۸۵	۹۶.۱۷%	۱۰۶۳۹	۸۴.۵%	۵۱۷	۸۴.۱%	۰۴۷۲۸
ختیج	۲۴۶۱۲	۸۶.۶۶%	۶۹۷۱	۲۶.۹%	۲۲۸۱	۷۰.۶%	۴۸۲۲	۵۵.۱۳%	۵۲۴	۸۶.۲%	۱۴۰	۷۶.۰%	۳۱۷۱۸
داراب	۰۲۹۶۳	۰.۸۶۱%	۸۰۵۹۹	۳۳.۸%	۳۶۱۹	۰.۷۹%	۶۳۳۱۳	۲۱.۱۳%	۴۳۹۷	۲۱.۷%	۱۳۸۱	۱۰.۱%	۱۹۹۱۰۳
رستم	۲۵۳۱۳	۶۴.۴۵%	۶۳۹۱	۶۴.۵%	۵۵۳۱۱	۷۹.۳۹%	۵۸۹۱	۴۷.۵%	۸۷۶	۳.۰۲%	۱۲۷	۴.۰%	۰۳۷۲۹
زرین دشت	۹۳۰۱۸	۹۲.۵۲%	۲۰۱۳	۹۵.۸%	۵۹۰۲	۲۴.۷%	۸۵۱۶	۱۵.۱۹%	۷۵۴۳	۴۹.۱۰%	۴۴۸	۲۵.۱%	۷۷۴۳۵
سپیدان	۲۸۹۳۵	۶۲.۶۱%	۶۶۱۶	۶۳.۱۱%	۴۶۸۶	۲۹.۱۱%	۹۴۷۵	۳۸.۱۰%	۵۲۲۲	۴۰.۴%	۳۸۰	۶۶.۰%	۲۶۷۵۷
سروستان	۸۳۷۱۱	۴۳.۵۷%	۲۴۶۳	۷۵.۱۵%	۷۰۰۱	۲۵.۸%	۵۸۷۲	۵۵.۱۲%	۰۴۲۱	۰.۶۵%	۱۹۹	۹۷.۰%	۶۱۱۲۰
شیراز	۵۱۶۴۰۰	۷۷.۵۹%	۵۷۷۷۷	۵۸.۱۱%	۵۲۸۶۰	۰.۳۹%	۲۰۳۸۵	۷۱.۱۲%	۳۳۵۳۹	۸۷.۵%	۹۸۲۶	۰.۴۱%	۱۳۱۶۷۰
فرشبند	۸۹۴۱۵	۴۴.۶۱%	۱۰۰۲	۴۴.۶۱%	۴۰۵۲	۳۰.۹%	۳۷۸۴	۹۲.۱۶%	۹۱۶	۵۴.۳%	۱۷۶	۶۸.۰%	۸۶۹۳۵
فسا	۴۳۳۶۲	۸۲.۵۶%	۰۷۷۱۶	۶۳.۱۴%	۵۲۸۷	۸۵.۶%	۲۴۴۱۵	۸۷.۱۳%	۱۴۹۷	۵۱.۶%	۴۴۳۱	۱۰.۳۱%	۸۷۴۱۰۹
فیروزآباد	۹۶۴۳۸	۵۸.۵۴%	۶۸۳۹	۵۶.۱۳%	۱۴۲۶	۶۰.۸%	۴۵۳۱۱	۰.۴۱۶%	۴۷۹۴	۲۷.۶%	۶۷۰	۹۴.۰%	۳۹۱۷۱
فیروکازرین	۲۸۱۲۲	۶۴.۵۵%	۱۵۶۳	۸۸.۷%	۲۴۷۳	۱۱.۸%	۲۹۶۸	۷۲.۲۰%	۷۲۴۲	۸۰.۶%	۳۴۰	۸۵.۰%	۰۴۴۴۰
کازرون	۹۴۴۷۳	۰.۶۵۹%	۶۴۴۱۶	۲۹.۱۳%	۰۴۳۹	۲۲.۷%	۴۱۱۱۴	۵۱.۱۱%	۱۲۳۱۰	۰.۹۸%	۰۳۹۱	۰.۸۳%	۲۰۴۱۲۵
کوار	۳۳۴۲۰	۲۷.۵۳%	۶۲۰۳	۹.۴۸%	۶۰۲۳	۴۳.۹%	۳۸۱۸	۹۵.۲۱%	۰۳۷۲	۳۳.۵%	۲۰۵	۵۴.۰%	۱۸۸۳۸
گراش	۶۱۰۰۸	۲۸.۳۹%	۰۸۳۵	۱۹.۲۳%	۸۶۷۱	۵۲.۸%	۲۸۳۴	۵۴.۱۹%	۷۲۸۱	۸۸.۷%	۳۲۷	۵۸.۱%	۹۱۸۲۱
لارستان	۳۸۷۵۳	۸۰.۵۹%	۵۴۹۷	۴۶.۸%	۲۴۶۸	۲۴.۹%	۶۳۳۱۲	۱۵.۱۴%	۵۵۶۶	۳۴.۷%	۸۹۹	۰.۱۱%	۲۷۰۸۹
لامرد	۹۱۱۲۷	۹۳.۵۵%	۲۱۷۴	۴۵.۸%	۵۶۵۴	۱۵.۹%	۱۷۸۸	۳۹.۱۶%	۵۹۰۴	۲۰.۹%	۴۳۸	۸۸.۰%	۸۹۹۴۹

مروذشت	۸۳۴.۱۱۱	٪۹۴.۶۸	۴۷۹.۱۲	٪۶۹.۷	۲۲۸.۱۳	٪۱۵.۸	۲۹۳.۱۶	٪۰۴.۱۰	۶۶۳.۶	٪۱۱.۴	۷۱۷.۱	٪۰۶.۱	۲۱۴.۱۶۲
ممسنی	۰۳۳.۳۸	٪۴۷.۵۹	۹۱۵.۲	٪۵۶.۴	۷۸۴.۱۸	٪۳۷.۲۹	۸۳۹.۲	٪۴۴.۴	۱۳۳.۱	٪۷۷.۱	۲۵۳	٪۴۰.۰	۹۵۷.۶۳
مهر	۵۸۴.۲۲	٪۶۴.۶۶	۵۹۰.۲	٪۶۴.۷	۷۱۴.۲	٪۰۱.۸	۱۰۵.۳	٪۱۶.۹	۶۰۰.۲	٪۶۷.۷	۲۹۶	٪۸۷.۰	۸۸۹.۳۳
نی ریز	۰۵۴.۳۶	٪۳۳.۵۷	۹۲۷.۵	٪۴۲.۹	۷۲۹.۴	٪۵۲.۷	۸۱۲.۱۱	٪۷۸.۱۸	۷۰۴.۳	٪۸۹.۵	۶۶۳	٪۰۵.۱	۸۸۹.۶۲
مجموع استان	۹۲۳.۲۹۲.۱	٪۲۱.۵۸	۶۴۲.۲۴۷	٪۱۵.۱۱	۸۰۱.۲۱۱	٪۵۲.۹	۹۲۹.۳۰۹	٪۹۵.۱۳	۴۲۵.۱۳۵	٪۱۰.۶	۳۳۳.۳۳	٪۰۵.۱	۲۲۱۰۰۸۳.۲

Source: Research Finding



نقشه شماره ۲- نقشه جغرافیایی آرای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در استان فارس

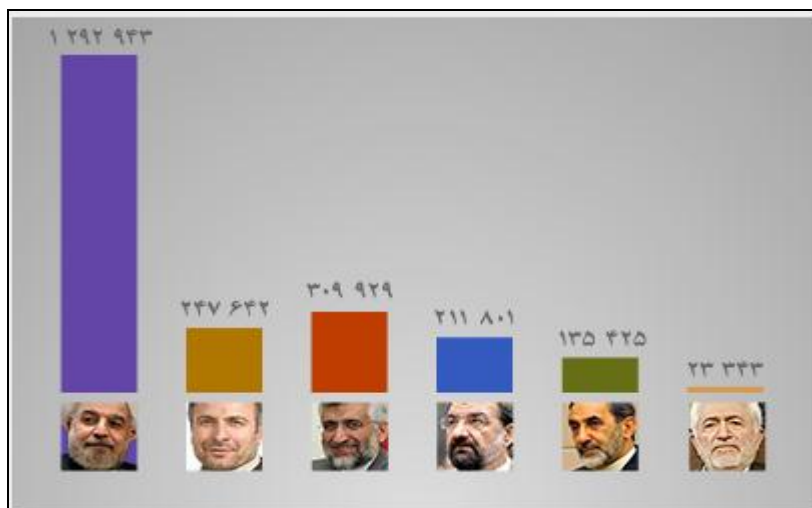
Source: (http://www.tasnimnews.com)

نتیجه گیری

استان فارسی یکی از استان هایی است که بالاترین جمعیت عشایری کشور را دارد. ایلات قشقایی، کهگیلویه، خمسه و ... هنوز بخش قابل توجهی از جمعیت استان را تشکیل می دهند. با تکوین و رشد شهرنشینی، فرهنگ مردم استان فارس نیز دچار دگرگونی و تغییرات ساختاری شده است. بی شک، ویژگی های قومی و فرهنگی تعریف شده مشخص در میان اقوام عشایر قابل رؤیت است. به دنبال رشد شتابان شهرنشینی، بسیاری از سنن و آداب و رسوم که در گذشته های نه چندان دور در میان اقوام رواج داشت، امروزه به فراموشی سپرده شده است. زندگی ساده عشایری هنوز ویژگی های سنتی را حفظ کرده است. استان فارس در جنوب منطقه مرکزی ایران بین مدارهای ۲۷ درجه و دو دقیقه و ۳۱ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۲ دقیقه و ۵۵ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال با استان اصفهان و یزد، از مغرب با استان های کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر، از جنوب با استان هرمزگان و از شرق با استان کرمان همسایه است.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان فارس با مرکزیت شیراز شامل ۱۶ شهرستان، ۴۸ شهر، ۶۰ بخش و ۱۸۵ دهستان بوده است. مساحت این استان در حدود ۱۳۳ هزار کیلومترمربع است. شهرستان های استان فارس عبارت اند از: آباد، استهبان، اقلید، بوانات، جهرم، داراب، سپیدان، شیراز، فسا، فیروزآباد، کازرون، لار، لامرد، مروذشت، ممسنی و نی ریز.

علیرغم اینکه ۱۰ شهرستان استان فارس مشارکت بالای ۹۰ درصد در انتخابات ۱۳۹۲ ریاست جمهوری داشتند میزان مشارکت کلی استان فارس در این دوره از انتخابات ۳۶/۷۳ درصد بود که نشانگر حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری بوده است. بیشترین میزان مشارکت در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری، مربوط به سال ۱۳۸۸ است که به عدد ۸۵ درصد واجدان شرایط رسید. بر اساس میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری، دوره یازدهم رتبه چهارم را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر درصد پیروزی منتخب انتخابات، آقای حسن روحانی با هفتاد و یک صدم درصد رأی بیش از حد نصاب لازم، کمترین درصد را در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به خود اختصاص داده است. از نظر میزان محبوبیت منتخب انتخابات میان کل واجدان شرایط رأی دادن، آقای حسن روحانی با اخذ اعتماد ۳۶.۸۷ درصد واجدان شرایط، آخرین رتبه‌های محبوب‌ترین رؤسای جمهور را به خود اختصاص می‌دهد. بیشترین میزان محبوبیت متعلق به آقای سید علی خامنه‌ای (۱۳۶۰) با ۷۰.۱۱ درصد و سپس آقایان محمد علی رجایی (۱۳۶۰) با ۵۶.۲۹ درصد، سید محمد خاتمی (۱۳۷۶) با ۵۵.۲۲ درصد و محمود احمدی نژاد (۱۳۸۸) با ۵۳.۲۳ درصد اعتماد کل واجدان شرایط رأی دادن است. کمترین میزان اعتماد نیز به آقای اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۲) با ۳۱.۸۷ درصد باز می‌گردد. با توجه به سنت کاهش میزان محبوبیت رؤسای جمهور ایران در دوره دوم انتخابات (به استثنای آقای محمود احمدی نژاد)، به نظر می‌رسد انتخابات سال ۱۳۹۶، انتخابات دشواری برای آقای حسن روحانی برای حفظ برتری هفتاد و یک صدمی خود میان رأی دهندگان باشد. بر اساس شمارش آرا در این استان روحانی با یک میلیون و ۲۹۲ هزار و ۹۴۳ رأی و ۵۸ درصد آرا بیشترین رأی را از آن خود کرد.



نمودار شماره ۲- نمودار نتیجه انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در استان فارس

Source: (<http://khabaronline.ir/detail/300014/Politics/election>)

References

- Fars Cultural port (2011), the name and geographical characteristics of Fars province, archived from the original on May 6, 2012. [In Persian].
- GH, Tavakoli (2000), Il Baseri of Trnas to Lhbaz, Tehran: Publication of seven. [In Persian].
- Giddens, Anthony (1997), sociology, translation M. patience, Reed Publishing, Second Edition, Page 329. [In Persian].
- Hume, D. (1978). A Treatise on Human Nature, Oxford University Press.
- Huntington, Samuel P., (1992), Political Order in Changing Societies, translation: M. Triad, Tehran, publishing science. [In Persian].

- Josephy, E. (2013), Fars tribes: Il Baseri, Tehran: Qashqai. [In Persian].
- Mujtahidzade, pirooz(2000), the ideas of geopolitic and Iran's realities, NeyPublishing.
- Official website of the Iranian Statistics Agency (2010), population estimates Fars province in 1389, archived from the original on May 6, 2012. [In Persian].
- Preacher, M. (2012), design review and evaluation of public cultural indices: Fars province / country to order the General Council, project manager and responsible policy, Tehran Publishing Book Publishing Institute. [In Persian].
- Ron Johnston and Charles Pattie,2006. Putting Voters in Their Place. Oxford Geographical and Environmental Studies Series.
- Shiraz University of Medical Sciences (2011), Fars province. Retrieved on 17 Khordad 1390 solar.
- Social Security General Office of Fars province (2011), natural geography and climate of Fars province. [In Persian].
- Website Ministry of the Interior (2015), the list of counties, towns, cities and municipalities Iran.
- Website Encyclopaedia Britannica (2012), Fars Province, [In Persian].
- Website News (2011), Introduction to Fars province, archived from the original on May 6, 2012. [In Persian].

Online resources

- www.anobanini.ir
- <http://www.amar.org.ir/>
- <http://www.amar.org.ir/>
- <http://www.amar.org.ir>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- www.bushehrnews.com
- <http://www.tasnimnews.com>
- <http://khabaronline.ir/detail/300014/Politics/election>